

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته: نیکوس موتاس
برگردان: آمادور نویدی
۲۸ جون ۲۰۲۴

ستالین هرگز با هیتلر ائتلاف نکرد

حقیقت درباره پیمان مولوتوف-ریبینتروپ*



ستالین هرگز متحد هیتلر نشد:

گفته هری ترومن (Harry Truman) پرزیدنت و جنایتکار جنگی رسوای امریکا در سال ۱۹۴۱ افشاء کننده است: «اگر دیدیم که المان در حال پیروزی ست، باید به روسیه کمک کنیم و اگر روسیه در حال پیروزی باشد، باید به المان کمک کنیم، تا از این طریق بگذاریم تا آن جایی که ممکن ست یکدیگر را بکشند...»

بورژوازی با تاریخ نویسی پس از پایان جنگ جهانی دوم، تلاش نموده است حوادث گوناگون را تحریف نماید تا بدین وسیله به سوسیالیسم و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی تهمت بزند. یکی از این حوادثی که «درفش» حامیان امپریالیسم و بقیه ضدکمونیزست هاست. این به اصطلاح «*پیمان مولوتوف و ریبینتروپ» می باشد که در سال ۱۹۳۹ به امضاء رسید.

بورژوازی با تبلیغات غیر علمی و غیرتاریخی خود سعی می کند که کمونیسم را با نازیسم برابر نشان دهد و با استفاده ابزاری از این امر، به اصطلاح سیاست توسعه طلبانه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و المان هیتلری را به تصویر بکشد.

هدف امپریالیست ها و همدستان آنها از تحریف حوادث تاریخی و ادغام دروغ ها و نیمه حقایق، بدنام کردن نقش عظیم اتحاد شوروی در مبارزات ضدفاشیستی در جنگ جهانی دوم است.

با این وجود، واقعیت بآن چیزی که تاریخ‌نویسی بورژوازی ارائه می‌دهد، از زمین تا آسمان فرق دارد. در اینجا، ما موقعیت و حوادثی را که منجر به امضای پیمان مولوتوف و ریبنترپ شد، مورد مطالعه قرار می‌دهیم تا تبلیغات ضدکمونیستی در باره این موضوع را بر ما سازیم.

در اواسط سال‌های ۱۹۳۰، آلمان هیتلری که از حمایت مالی و تکنیکی انحصارات امریکائی و اروپائی برخوردار بود، شروع به توانمند کردن نیروهای مسلح خود نمود. نازی‌ها در سال ۱۹۳۶، راینلند (Rhineland) را میلیتاریزه نمودند و در تصرف حبشه (اتیوپی) به موسولینی کمک نمودند، در حالی که در تحمیل دیکتاتوری فاشیستی فرانکو در اسپانیا نقش مهمی ایفا کردند. توانمند شدن آلمان نازی و گسترش فاشیسم در اروپا تحت بُرداری قدرت‌های امپریالیستی «دمکرات» آن زمان؛ انگلیس، فرانسه و امریکا صورت گرفت.

متعاقب ضمیمه اتریش به آلمان نازی در سال ۱۹۳۸، متفقین (انگلیس و فرانسه) در (۳۰ سپتامبر ۱۹۳۸)، اقدام به توافق مونیخ نمودند. معمولاً، حامیان امپریالیسم تلاش می‌کنند که اهمیت این توافق بین انگلیس، فرانسه، موسولینی ایتالیا و آلمان هیتلری را ناچیز جلوه دهند، در حالی که، توافق مونیخ- اقدامی جهت سازش با نازی‌ها- و واقعاً مهم و پُر معنا بود. با امضای نخست وزیران آن زمان انگلیس و فرانسه، نویل چمبرلین (Neville Chamberlain) و ادوارد دالادیر (Édouard Daladier)، نازی‌ها، چکسلواکی را ضمیمه ساختند و با تجاوز به سوی اروپای شرقی به توسعه‌طلبی خود افزودند.

در ۷ اپریل سال ۱۹۳۹، فقط چند ماه بعد، رژیم فاشیستی ایتالیا به البانی حمله نمود و آنرا تصرف کرد. دولت‌های انگلیس و فرانسه در ۳۱ ماه مارچ ۱۹۳۹، تضمین نمودند که در صورت حمله نازی‌ها از پولند محافظت کنند- هر دو، لندن و پاریس توافقات کمک متقابل دوجانبه را با پولند امضاء نمودند. و وقتی که آلمان در اول سپتامبر سال ۱۹۳۹ به پولند حمله نمود، انگلیس و فرانسه علیه هیتلر اعلام جنگ نمودند، اما تا سال بعد هیچ اقدام نظامی نکردند! امریکا از طرف آن‌ها اعلام بی‌طرفی نمود.



شرکت‌کنندگان در کنفرانس مونیخ، سال ۱۹۳۹، از چپ به راست: نویل چمبرلین، ادوارد دالادیر، آدلف هیتلر، و بنیتو موسولینی

پیش از این که ارتش نازی به پولند حمله کند، دولت در وارسا تلاش نموده بود تا با هیتلر در مورد حمله مشترک احتمالی به اتحاد شوروی مذاکره نماید. اما مذاکره با شکست مواجه شد، تا وقتی که بورژوازی پولند ترجیح داد

در عوض با انگلیس و فرانسه توافقات دفاعی را امضاء کند. در این جا چیزی که مهمست اینست که پولند توافق دفاع متقابل علیه نازی‌ها را که از طرف اتحاد شوروی ارائه شده بود، رد نموده بود.

امپریالیست‌ها با تبلیغات خود تلاش می‌کنند که مواضع انگلیس و فرانسه را در سازش با نازی‌ها و دلایل «بی‌طرفی» امریکا را مخفی سازند. گفته سناتور امریکائی، روبرت ا. تفت (Robert A. Taft) نمونه است: «پیروزی کمونیسم برای امریکا خطرناک‌تر از پیروزی فاشیسم است» (سی بی اس، ۲۵ جون ۱۹۴۱). براساس گفته تاریخ‌دان، جان سنیل (John Snell)، قدرت‌های غربی، رایش سوم را به‌عنوان «حائلی» علیه اتحاد شوروی در اروپای مرکزی در نظر می‌گرفتند. هدف ستراتیژیک کشورهای امپریالیستی «دمکراتیک» این بود که هیتلر را علیه اتحاد شوروی تحریک کنند؛ به عبارتی دیگر، از نازی‌ها به‌عنوان سلاحی علیه بنای سوسیالیسم در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی استفاده کنند. این اولین هدف به‌اصطلاح «ائتلاف» غربی بود.

در باره این موضوع، ما باید یادآوری کنیم که، پیش از جنگ و در حالی که رژیم هیتلر در حال ایجاد ارتشی توان‌مند بود، اتحاد شوروی به‌منظور دستیابی به توافقی دفاعی با کشورهای کاپیتالیستی اروپائی، ابتکارات زیادی را به کار گرفت. اما علی‌رغم پیش‌نهاد شوروی جهت تدارک جبهه‌ای مشترک علیه نازی‌ها، «ائتلاف» اروپای غربی چنین پیش‌نهادی را رد کرد. جهت نمونه، پیش از توافق مونیخ در سال ۱۹۳۸، وقتی که هیتلر اتریش را الحاق نمود، اتحاد شوروی در (مارچ ۱۹۳۸)، پیش‌نهاد کنفرانسی بین المللی ارائه داد، که هدفش مقابله با تجاوز نازی‌ها بود.

اتحاد شوروی در ۲۳ جولای ۱۹۳۹، به انگلیس و فرانسه پیشنهاد مذاکره جهت ایجاد طرحی دفاعی در صورت حمله المان ارائه داد. اما با این حال، دولت انگلیس اولویت‌های دیگری داشت: با نمایندگان هیتلر در لندن جهت امضای پیمان عدم تجاوز، مذاکره پنهانی داشت. در واقع، وقتی که اتحاد شوروی به کشورهای کاپیتالیستی پیش‌نهاد جبهه‌ای ضدفاشیستی ارائه داد، دولت انگلیس به صورت پنهانی با نازی‌ها درباره «حوزه نفوذ» در اروپا مذاکره می‌کرد! چیزی که تاریخ‌دان‌های بورژوازی عمداً مخفی می‌کنند، این واقعیت است که تنها کشوری که سیاست پرخاش‌گرایانه و توسعه‌طلبانه نداشت، اتحاد شوروی بود. هر دو طرف امپریالیسم بین‌المللی (ائتلاف کاپیتالیستی «دمکراتیک» و از طرفی دیگر، محور فاشیست نازی) هدفشان نابودی اتحاد شوروی بود. بنای سوسیالیست در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، دشمن واقعی هر دو طرف بود و جهت هدفشان علیه مسکو از یک‌دیگر استفاده می‌کردند.

پیمان موقت عدم تجاوز بین اتحاد شوروی و المان پس از کوشش‌های زیاد شوروی‌ها جهت ایجاد یک توافق دفاعی با انگلیس و فرانسه صورت پذیرفت. بنابراین، از آنجائی که شوروی پیوسته در معرض تهدید ارتش در حال توسعه نازی بود، مسکو جهت آمادگی خود در یک جنگ بزرگ، مجبور به امضای توافق عدم تجاوز با برلین شد.

چیزی که تاریخ‌دان‌های بورژوازی و حامیان امپریالیسم آن‌را «ائتلاف هیتلر و ستالین» می‌دانند، در واقع مانور دیپلوماتیک ضروری اتحاد شوروی جهت خریدن وقت و آماده شدن مؤثر جهت یک جنگ تمام‌عیار بود. حتی تاریخ‌دان‌های بورژوازی اعتراف می‌کنند که سیاست شوروی با توجه به شرایط و خطر حمله المان کاملاً منطقی بوده است (ف. دالس، مسیر به‌سوی تهران، نیویورک، ۱۹۴۴، صص ۲۰۷-۲۰۳) (F.Dulles, The road to Tehran, (New York, 1944, p.203-207).

تبلیغات امپریالیستی ادعا می‌کنند که پیمان موقت عدم تجاوز مولوتوف- ریبنتروپ (The Molotov-Ribbentrop pact) منجر به «الحاق» بخشی از پولند و کشورهای بالتیک (استونی، لیتوانی و لتونی) شد. این بحث‌ها درباره «اشغال شوروی» - منجر به رشد گروه‌های فاشیست و نئونازی در این کشورها، متعاقب (پیروزی) ضدانقلاب در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی شده است. اما، واقعیت کاملاً متفاوت است.

پولند فعالانه در حمله ائتلاف امپریالیستی علیه دولت تازه تأسیس شوروی در ۱۹۱۸ شرکت کرده بود. رهبری بلشویک در (۳ مارچ ۱۹۱۸)، با پیمان برست- لیتوفسک (Treaty of Brest-Litovsk)، از ادعای تزاری بر پولند انصراف داد، اما دولت پولند تعدادی از مناطق بالکان، از جمله غرب بلاروس، غرب اوکراین و بخشی از لیتوانی را تحت کنترل خود حفظ کرد. پس از حمله ۱۹۳۹ نازی‌ها به پولند، ارتش سرخ به سمت مرزهای شوروی و پولند به‌پیش رفت و مناطق ذکر شده را آزاد نمود.

تبلیغات بورژوازی- امپریالیستی وقتی که به «اشغال شوروی» اشاره می‌کند، تلاش می‌کند که تاریخ را تحریف کند- درست به عکس، این ارتش شوروی بود که کشورهای بالتیک و اروپای شرقی را از (دست) نازی‌ها رها ساخت. پیمان موقت عدم تجاوز مولوتوف- ریبینتروپ، مشمول بر هیچ‌گونه «تجزیه» پولند نبود. درست به عکس، این توافق مونیخ سال ۱۹۳۸ بین انگلیس، فرانسه و محور (آلمان و ایتالیا) بود که منجر به تجزیه چکسلواکی و تسخیر کشور به وسیله ارتش هیتلری شد.



نتیجه‌گیری

یکی از موارد دروغ‌های متعدد و آشکار ضدکمونیستی، تبلیغات امپریالیستی درباره پیمان موقت مولوتوف- ریبینتروپ است. امپریالیسم از طریق تاریخ‌نگاری بورژوازی تلاش می‌کند تا کمونیسم و فاشیسم را برابر نشان دهد، سوسیالیسم و اتحاد شوروی را بدنام نماید. و مدافعان امپریالیسم به‌منظور انجام این کار، تاریخ را تحریف می‌کنند و زشت‌ترین تهمت‌ها را علیه اتحاد شوروی و کشور سوسیالیستی را اختراع کرده و همچنان می‌کنند؛ از «محاکمات مسکو» و «گولاگ‌ها» گرفته تا به‌اصطلاح «ائتلاف ستالین و هیتلر»، و «حمله شوروی» به افغانستان [حمله تجاوزکارانه و خونبار شوروی بر افغانستان دروغ نبود-پورتال] و ...

درواقع، چیزی که امپریالیست‌ها می‌خواهند مخفی کنند، اینست که فاشیسم درواقع، نوع دیگری از دیکتاتوری بورژوازی‌ست- واقعیت ساده‌ای که برتولد برشت بخوبی آنرا تعریف نموده است: فاشیسم «عریان‌ترین، بی‌شرم‌ترین، ظالمانه‌ترین و مکارترین شکل سرمایه‌داری‌ست».

*عنوان پیمان موقت عدم تجاوز بین شوروی و المان، از نام خانوادگی دو وزیر امور خارجه گرفته شده است که این پیمان را امضاء کرده اند. دیپلمات شوروی، ویچسلاو میخائیلویچ مولوتوف (۱۹۶۸-۱۸۹۳)، و وزیر نازی یواخیم ون ریبینتروپ (۱۹۴۶-۱۸۹۳)

درباره نویسنده:

نیکوس موتتاس سردبیر سایت در دفاع از کمونیسم است.

<https://www.idcommunism.com/>

برگرداننده شده از:

Stalin never allied with Hitler: The Truth about the 1939 Molotov-Ribbentrop Pact

By Nikos Mottas

<https://www.idcommunism.com/2022/08/stalin-never-allied-with-hitler-truth-about-the-1939-molotov-ribbentrop-pact.html>